

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم با سلام خدمت استاد عزیز جناب استاد: شعارهای دیروز تهران و امروز اصفهان را شنیدید. تهران: اسلام رو پله کردند. مردم رو ذله کردند. اصفهان: ما انقلاب کردیم چه اشتباهی کردیم. استاد جان مگر در روایت نداریم حکومت با کفر باقی می ماند ولی با ظلم نه. استاد جان می بینی فساد و ظلم و جنایت دارد سر به آسمان می ساید ظلم و اجحاف حکومت جان مردم را به لب رسانده آنچه در تهران و اصفهان اتفاق افتاد یعنی به زودی باید منتظر تظاهرات خیابانی و در پی آن بازداشت و حتی کشته باشیم دیگر زبان ما بند آمده هیچ دفاعی نمی شود از انقلاب کرد شما می دانید و ما نیز آنچه شاهدیم آشی است که دیگش را هاشمی بنیان گذاشت. چرا وقتی هاشمی که بنیان تجملات، تشریفات، تضاد طبقاتی، اشرافیت، اختلاس را می گذاشت رهبر عزیز در مقابل او کاری نکرد؟ کاری نمی توانست بکند؟ خوب این القاب و شلقاب چه بود به ریش او می بست تا دیگر آنهایی که عمق فاجعه را می فهمند نتوانند هیچ حرفی بزنند؟ القابی مثل «خدای بزرگ را سپاس که در این نوبت نیز، رأی مصیب ملت، مسؤولیت را به دستهای توانای مردی سپرد که در میدانهای دشوار، لیاقت و امانت و صلاحیت و کاردانی و برجستگی او را آزموده بود. مردی بزرگ از سابقین اولین انقلاب و از حواریین و انصار دیرین امام راحل. عالمی متفکر، سیاستمداری هوشمند، فقیهی زمان شناس، مجاهدی خستگی شناس، برادری مهربان برای ضعیفان و مدیری کاردان برای کشور.» استاد واقعا هاشمی فقیهی زمان شناس بود که تا هم فیها خالدون فرهنگ منحط سرمایه داری اشرافی غرب را در این کشور نهادینه کرد، کسی که در روز تاسوعا که ارمنی ها هم عزاداری می کنند برای تفریح به همراه فرزندان به سد لتیان می رود و کسی که در زمانی که بسیاری از دوچرخه ای محروم بودند به گفته خودش تفریح فرزندانش اسکی و اسب سواری بود، کسی که اختلاس و دزدی را به چیزی نمی انگارد، کسی که رشوه را هدیه نامید و حال رشوه دارد مردم را خفه می کند؟ و هزاران موارد دیگر، اصلا واقعا هاشمی برادری مهربان برای ضعیفان بود؟ مگر نه این که از زمان هاشمی له شدن ضعیفان کلید خورد؟ خاتمی و روحانی هم که دو سیئه از سیئات او هستند. احمدی نژاد هم نتوانست با این غول و یارانش مبارزه کند و در آخر هم دیوانه شد. استاد جان مردم بیش از آن که ما فکر می کنیم از انقلاب زده شده اند چه می خواستند و چه شد. کو عدالت؟ کو اجرای احکام؟ اسلام کو؟ انسانیت کو؟ ساده زیستی و زی طلبگی کو؟ رسیدگی به محرومان به زلزله کرمانشاه نگاه کن جگر آدم کباب می شود. فساد جنسی دارد تا اعماق حتی خانه های مذهبیون رخنه می کند کو انقلاب؟ کو ارزشها؟ استاد حرف اصلی مردم این است که به اسم انقلاب و اسلام دارند جنایت می کنند. استاد جان راستی باید منتظر

لرزش پایه های انقلاب باشیم؟ سخنی بگوئید که داریم دق می کنیم. ایمیل خراب است لطفا در سایت جواب فرمائید. با تشکر و التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- نمی دانم چه اندازه در جریان شخصیت آقای هاشمی هستید؟ آن القابی که می فرمایید که در مورد ایشان گفته شده، مربوط به هاشمی اول است که حقیقتاً با استعدادهایی که داشت در صدد خدمت بود و در این رابطه خدماتی از او سر زد. ولی در مرحله ای ایشان احساس کرد با انقلاب و تأکید بر اهداف اصیل آن نمی توان کار را ادامه داد و به نحوی به جریان سکولاری که اصالت را به غرب می داد، نزدیک شد. در حالی که باید تجربه ی تاریخی ما برای ایشان روشن می کرد که هرچه ما مشکل داریم از غرب و غرب زده ها است و مدیرانی که با نظر هاشمی دوم خواستند کشور را اداره کنند ۲- راه کار اصلی برگشت به ریشه های انقلاب است و رهبر معظم انقلاب با تدبیر حکیمانه ی خود مواظب اند که جریان غرب زده در زیر سایه ی آقای هاشمی با لطایف الحیل مردم را همان طور که در انتخابات به خطا انداختند؛ به خطا نیاندازند. به این شکل که به مردم القاء شود با نزدیکی به غرب، مسائل شان حل می شود و اگر رهبری مستقیماً با این جریان درگیر شوند، در این شرایط میدان به غرب زده ها داده می شود به خصوص که رسانه های بیگانه نیز در این رابطه می توانند بر روی مردم تأثیر بگذارند. به همین جهت ما وظیفه داریم اولاً: رهبری را تقویت کنیم. ثانیاً: سعی کنیم مردم را متوجهی اشارات رهبری و دغدغه های ایشان بکنیم. موفق باشید